گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است.
انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

نگاه

علی اعتمادی *

وکالت تضمینی تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله

با عنایت به پیشرفت و گسترش علوم در حوزه‌های مختلف امروزه مسائل حقوقی و قضایی نیز در کشور رشـد و تغییرات چشمگیری داشته است، لذا انتخاب وکیل آن هم متخصص و توانمند برای افرادی که نیاز به وکیل دارند و تا کنون تجربه حضور در مراجع قضایی و انتظامی را نداشـته‌اند، دشوار شده است که روش وکالت تضمینی که شرح آن در ذیل خواهد آمد می‌تواند شیوه‌ای برای کمک به افراد در انجام معاملات و قراردادها باشد.

در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی دانسته شده اسـت: ۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت موضوع ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله. حال هر فردی که قصد معامله و نوشتن قرارداد دارد باید موارد مذکور را رعایت کند.

در وکالت تضمینی و تعهد به نتیجه وکیل وصول حق‌الوکاله را مشروط به نتیجه قرار می‌دهد، یعنی اگر نتیجه در پرونده حاصل شد وکیل مستحق دریافت حق‌الوکاله می‌شود و وکیل نمی‌تواند نتیجه را تضمین کند چون نتیجه پرونده توسط مراجع ذی صلاح تعیین می‌شود.در ماده ۲۳۲ قانون مدنی آمده است شـروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: ۱- شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد. ۲- شرطی که در آن نفع و فایده نباشد. ۳- شرطی که نامشروع باشد، لذا درصورتی که در مؤسسات حقوقی یا وکلای دادگسـتری نتیجه را تضمین کنند شرط غیرمقدور گذاشته و مرتکب تخلف شـده‌اند ولی اگر در قرارداد به جای نوشتن حق‌الوکاله به هر مبلغی که وکیل حصول نتیجه را تضمین می‌کند نوشـته شود حق الوکاله به فلان مبلغ تعیین و وصول حق الوکاله مشروط به نتیجه است نه تنها مشکلی ندارد، بلکه صحیح، منصفانه و عادلانه‌ترین روشی است که می‌توان در قراردادها از آن اسـتفاده کرد، زیرا در وکالت تضمینی، وکیل پس از مطالعه و بررسی ادله، مدارک و مسـتندات موجود اگر از احتمال پیروزی معقول در دعوا مطمئن نشود پرونده را نمی‌پذیرد و وکیل با انگیزه قوی و کوشش مضاعف همانطور که از یک مدافع خوب انتظار می‌رود از هیچ تلاشی برای موفقیت در پرونده دریغ نمی‌کند و موکل نیز دیگر نگران آن نیست که اگر در پرونده موفقیت حاصل نشد مجدداً متضرر شود و حق الوکاله را نیز پرداخت کند.

برخی از وکلا شأن وشـرافت شـغلی خود را نادیده گرفته و در جلسات مشاوره به مراجعه کننده با تأکید اطمینان می‌دهند که پرونده به نتیجه خواهد رسید تا او را ترغیب به عقد قرارداد نمایند اما در صورتی که وکیل پیگیری و اقدام مناسب و مؤثری در پرونده نداشته باشد و موفقیت حاصل نگردد هیچ مسئولیت مستقیمی نداشـته و تنها با بهانه جویی مقصر را قضات و سیستم قضایی یا ضعف قانون دانسته یا موکل را متهم به اختفای حقیقت می‌کند و با توجیه اینکه وکیل تعهدش به وسیله است نه نتیجه خود را مستحق دریافت حق‌الوکاله می‌داند و در این میان فقط موکل است که با از دست دادن زمان مجدداً متضرر شده است.

لذا با وکالت تضمینی و حق‌الوکاله به شرط حصول نتیجه است که می‌توان منصفانه‌ترین راه برای رسیدن به عدالت پیمود.

محاسن وکالت تضمینی:

۱- شریک شدن وکیل در پیروزی وشکست پرونده.
۲- اطمینان بیشتر به وکلای دادگستری و موسسات حقوقی.
۳- عدم پذیرش پرونده توسط وکیل تا از پیروزی معقول مطمئن نشود.
۴- عدم نگرانی مراجعین و موکلین از محکوم شدن و پرداخت حق‌الوکاله.

* کارشناس ارشد حقوق

نکته

۳ فرصت طلایی برای صادرکننده چک بلامحل!

صـدور چـک بلامحـل جـرم اسـت و در قانـون مجازات‌هایـی بـرای آن درنظـر گرفتـه شده‌اسـت، امـا ماجرای صـدور چک بلامحل بـه اینجا ختم نمی‌شـود! اگر چکـی که صـادر کرده‌اید برگشـت خورده‌اسـت، بایـد بدانیـد کـه همچنان سـه فرصت طلایـی بـرای رهایـی از مجـازات قانونـی در اختیـار داریـد.

چک بلامحل به چکی گفته می‌شود که دارنده چک هنگامی که آن را به بانک ارائه می‌کند یا با حساب خالی صادرکننده مواجه می‌شود یا به علل دیگری نمی‌تواند وجه چک را دریافـت کند. در این حالت بانک، گواهی عدم پرداخت صادر می‌کند که اصطلاحاً در این موارد گفته می‌شود چک برگشـت خورده‌اسـت. پس از صدور گواهی عدم پرداخت دارنده چک می‌تواند با رعایت شرایطی که در قانون پیش‌بینی شده‌است، برای وصول مبلغ چک از صادرکننده آن شـکایت کند. اگر این موضوع در دادسـرا مطرح شود، صادرکننده چک علاوه بر اینکه ملزم خواهد بود مبلغ چک را بپردازد، به این علت که مرتکب جرم شده‌است، به تحمل مجازات‌هایی همچون حبس نیز محکوم خواهد شـد. با این وجود راه بازگشـت برای صادرکننده چک بلامحل بسته نیست.

قانونگذار سه فرصت طلایی را برای صادرکننده چک بلامحل پیش‌بینی کرده است که وی از طریق آنها می‌تواند از مجازات حبس و آثار و تبعات آن رهایی پیدا کند:

الف- اگر قبل از شکایت دارنده چک، صادرکننده چک مبلغ آن را به وی بپردازد یا اینکـه ترتیبات پرداخت آن را فراهـم کند(مانند آنکه مهلت بیشـتری از او بگیرد) طبق ماده ۹ قانون صدور چک دارنده چک دیگر نمی‌تواند علیه او شکایت کند.

ب- اگر پس از شـکایت دارنده چک و قبل از صدور حکم قطعی، شاکی (دارنده چک) گذشت کند یا متهم(صادرکننده چک) وجه چک را به او بپردازد یا اینکه ترتیبات پرداخت را فراهم آورد، طبق ماده ۱۲ قانون صدور چک مقام قضایی باید رسیدگی به شکایت را متوقف کند.

ج- اگر پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک را به او بپردازد یا ترتیب پرداخت را فراهم نماید، طبق ماده ۱۲ این قانون اجرای حکم متوقف می‌شود و متهم باید یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم را به خزانه دولت واریز کند.

البته نباید از نظر دور داشت که تنها در صورتی می‌توان از چک برگشت خورده در دادسرا شـکایت کرد که چک به روز صادر شده باشد. به بیان دیگر، اگر چک امروز صادر گردد ولی تاریخ وصول آن امروز نباشد و دارنده بتواند آن را در آینده وصول نماید، چک جنبه کیفری ندارد و در صورت برگشت خوردن نمی‌توان از صادرکننده چک مدت‌دار در دادسرا شکایت کرد. چک مدت‌دار تنها جنبه حقوقی دارد و صادرکننده چک بلامحل مدت‌دار متحمل مجازات نمی‌شود، بلکه به پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه در دادگاه حقوقی (و نه کیفری) محکوم خواهد شد.

گزارش یک

نفیسه ابراهیم‌زاده انتظام

با تصویب طرح ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست

محافظت از جودی ابوت‌ها در برابر بابالنگ دراز ها قانونی می‌شود

دختر پرانرژی و بازیگوشـی که با تمـام بچه‌های نوانخانه فرق داشـت و در نهایت نیـز در جریان بازدید خیریـن از نوانخانه توجه یکـی از آنها را به خود جلب کرد تا بـه او کمک کند و آینده‌ای متفاوت داشـته باشـد و با حمایـت او درس بخوانـد. این دختر که هیـچ‌گاه حامی خـود را ندیده بود و از او تنها سـایه کشـیده‌ای دیده بود هر روز برایش نامه می‌نوشـت و او را در جریان کوچک‌تریـن اتفاقات زندگی‌اش قرار مـی‌داد و در کنار خودش تصـور می‌کرد. در نهایت نیـز بعد از فارغ‌التحصیلی بـا او ازدواج کرد. این فانتـزی جین وبسـتر خیلی از بچه‌هـا بـه ویـژه دختربچه‌های دهـه ۷۰ را بـا خـود بـه دنیـای رؤیـا می‌بـرد و ازدواج جـودی ابوت و سرپرسـتش بابالنـگ دراز اوج داسـتان و باعث خوشـحالی بچه‌ها بود کـه پایانی بر محرومیت‌هـای جودی به شـمار می‌رفت. چنیـن رابطه‌ای البته بدون فانتزی‌های آن در سـال ۹۲ در کشـور ما تبدیل به قانون شد.

در ماده ۲۷ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست آورده شد که ازدواج فرزند خوانده با سرپرست، در صورت صلاحدید دادگاه امکانپذیر اسـت. این قانـون از ابتـدای تصویب مـورد نقد صاحبنظران و کارشناسـان مسـائل اجتماعی و تربیتی قرار گرفت، اما تعلل تقریباً پنج ساله دولت در ارائه لایحه اصلاحی آن باعث شد مجلس دست به کار شـود و طرحی را در اصلاح ماده ۲۷ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرسـت و بدسرپرسـت ارائه دهد که آن هم لابه‌لای کارهای برزمین مانده کمیسـیون قضایی و حقوقی مجلس متوقف شد. آخرین خبر از سرنوشـت طرح ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست را سیده حمیده زرآبادی نماینده مردم قزوین در مجلس ابتدای هفته جاری به رسانه‌ها اعلام کرد. وی گفت: سال گذشته این طرح در صحن علنی مجلـس اعلام وصول و برای بررسی بیشـتر به کمیسـیون قضایی و حقوقی مجلس ارجاع شده، اما کمیسیون قضایی به دلیل تعدد طرح‌ها و لوایح فرصت لازم را برای بررسـی این طرح نداشته اسـت؛ البته پیگیری‌های لازم برای ارجاع سریع‌تر طرح به صحن علنی مجلس انجام خواهد شد.

نماینده مردم قزوین، آبیک و البرز درمجلس شورای اسلامی، با اشاره به اینکه برخی مواد این طرح طی یک ماه‌اخیر در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بررسی شده اسـت، افزود: دولت سال گذشته به دنبال تدوین طرحی درخصوص ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست بود، اما متأسفانه پس از گذشت چند ماه لایحه دولت به مجلس ارسال نشده است، بنابراین با توجه به اینکه درحال حاضر برخی به دلیل نبود شـفافیت و ضعـف در قانون گرفتار چنین مشکلی هستند، مجلس تدوین طرح مورد نیاز را در دستورکار قرار داد. زرآبادی با بیان اینکه در قانون فعلی ممنوعیـت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست مشروط در نظر گرفته شده است، تصریح کرد: در شرایط فعلی اگر مجوز از دادگاه اخذ شود، ازدواج فرزندخوانده با سرپرست قانونی محسوب می‌شـود، اما به دلیل تبعات بسـیار و آسیب‌های اجتماعی قابل توجه دراین خصوص درطرح مجلس تأکید شده است حتی با مجوز دادگاه هم انجام این کار امکانپذیر نیست، بنابراین ازدواج با فرزندخوانده درهرحالتی ممنوع است؛البته تصویب هرقانونی دراین زمینه باید ضمانت اجرایی داشته باشد.

■ ماده ۲۷ تهدید فرزندخواندگی

قوانین مصـوب در زمینه کودکان بی‌سرپرسـت بایـد منجر به تأمین امنیت آنها شـود. تـا قبل از تصویب این قانون اگرچه حرمت شرعی برای ازدواج فرزندخوانده و سرپرسـت وجود نداشت و افراد بر اساس عرف با فرزندخوانده خود ازدواج نمی‌کردند، اما تصویب قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست این مسئله را وارد فرهنگ جامعه کرد. فارغ از زمینه‌های فقهی و حقوقی موضوع ازدواج فرزندخوانده با سرپرست، زمینه‌های اجتماعی و بهداشت رفتاری آن به اندازه‌ای عمیق است که مورد توجه قرار گیرد. اولین نتیجه این قانون این است که خانواده‌ها اقبال خود را به قبول سرپرستی فرزندان بی‌سرپرسـت و بدسرپرست از دسـت می‌دهند. این امر به ویژه در مـورد دختربچه‌ها مصداق پیدا می‌کند، زیرا فرزندان دختر به صورت پیش فرض رقیبی برای زنان خانواده خواهند بود. از سوی دیگر فرزندخوانده‌ها سرپرستان خود را به چشم والدین می‌بینند و رابطـه والد و فرزندی بین آنها شـکل می‌گیرد. این ارتباط به هر عنوانی مخدوش شـود سلامت روانی فرزند و سایر اعضای خانواده را از بین می‌برد. علاوه بر این قانـون ازدواج فرزندخوانده با سرپرست چنانچه در میان سایر قوانین اجتماعی جاگیر شود این تصور عمومیت می‌یابد که افرادی که توانایی مالی دارند می‌توانند به راحتی کودکی را به فرزندخواندگی قبول و در سن بلوغ جنسی یا بلوغ شخصیتی با او ازدواج کنند. در نتیجه نیت و انگیزه افراد برای پذیرش سرپرستی کودکان بی‌سرپرست در مقایسه با گذشـته تغییر و یک انگیزه جنسی خواهد داشت که آسیب‌های اجتماعی ناشی از این مسئله به مراتب بیشتر از آسیب اجتماعی کودک بدون سرپرست و خانواده است.

صاحبنظران بر این باورند که بحث محرمیت و ارث نیز دو موضوع مورد چالش در فرزندخواندگی است. در دین اسلام بر خلاف بیشتر ادیان، وقتی والدین حضانت فرزندی را قبول می‌کنند محرم نیستند، مگر اینکه مادر از شیرخوارگی به آن فرزند شیر داده باشد. در غیر این صورت فرزندخوانده به سرپرست خود نه محرم است و نه از آنها ارث می‌برد. به همین دلیل افراد کمتر به دنبال فرزندخوانده می‌رفتند. حالا ماده ۲۷ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست این روند را کمتر از قبل هم می‌کند. بحث ارث فرزندخوانده از دیدگاه عرف و در فضای فرهنگی جامعه ما با بخشیدن مقداری از اموال به کودکان حل می‌شود و چالش فقهی محرمیت نیز با خواندن صیغه محرمیت بین فرزند، پدر و مادر تا حدودی رفع و مشـکلی در این زمینه به وجود نمی‌آید. البتـه صیغه محرمیت رایـج در عرف ما همان صیغه نکاح محسوب می‌شود، اما خانواده‌ها هـدف از این صیغه را رفع مشـکل محرمیت بین فرزندخوانده و پدر و مادر محسـوب می‌نمودند و منظور از آن صیغه نکاح به مفهـوم رایج در عرف امروزی نبـود. قوانین مصـوب در زمینه کودکان بی‌سرپرسـت باید با هدف تأمین امنیت این افراد تنظیم شده باشد. قوانین باید به شکلی تنظیم شده باشـد که افراد راحت‌تر از مراکزی مثل بهزیستی فرزند بگیرند و امنیت فرزنـد را افزایش دهند نه اینکه امنیت روحی و روانی آنان را پایین بیاورند.

از دیـدگاه قانونـی ازدواج دختر در ایـران باید با اذن ولی او یعنی پدر صورت گیرد حال در ازدواج فرزندخوانده با سرپرست به دلیل اینکه سرپرست هم در نقش ولی و هم در نقش همسـر آینده قرار می‌گیرد در این صـورت اذن فرزندخوانده نادیده گرفته می‌شـود و سرپرسـت نظر خود را بر آنها تحمیل می‌کند که در این حالت امکان بروز انواع سوءاستفاده‌ها فراهم می‌شود و البته نکته‌ای که در قانون ازدواج فرزندخوانده با سرپرست مطرح است این ازدواج تنها ازدواج فرزندخوانده دختر را شامل نمی‌شـود، یعنی فرزندخوانده پسر نیز می‌تواند با مادر خود در آینده ازدواج کند.

■ سرپرست، پدر و مادر یا همسر کدام نسخه قانون است؟

در یکـی از جدی‌تریـن نقدهای وارده بـه قانون فوق آمده اسـت که واقعاً معلوم نیست مسئولان می‌خواهند به یک کودک بی‌سرپرست پدر یا مادر بدهند یا همسر آینده آنها را تأمین کنند. در واقع باید دید یک کودک زیر پنج سـال یا بالاتر در این سـنین به پدر و مادر نیاز دارد یا همسر؟ در واقع شیوع انواع خشـونت‌های جنسـی، از بین بردن اسـتقلال به دلیل عدم اراده کودک در انتخاب به عنوان فرزندخوانده و همسـر و سوءاستفاده‌های جنسی از آنها می‌تواند اولین پیامد به اجرا در آوردن چنین قانونی باشد که لازم است مسئولان در این زمینه بازنگری‌های لازم را انجـام دهند و مصالح کودک و همچنین آسـیب‌های روانی و اجتماعی آن را در نظر گیرند. باید توجه داشـت وجود یک خانواده بد نمی‌تواند بهتر از خانواده نداشتن باشد. در واقع هویت و شـخصیت یک بچـه در خانواده شـکل می‌گیرد و هرگز خانواده بد نمی‌تواند بهتر از بی‌خانوادگی باشـد، بنابراین در شرایط عادی و معمولی تربیت بچه در خانواده بسیار دشوار است به همین دلیـل اکثر زوجین حاضر نیسـتند این مسئولیت سنگین را بپذیرند و بچه‌دار شوند، چه برسـد به اینکه خانواده‌ای از همان ابتدا به کودک نگاه جنسیتی داشته باشد.

کشورهای دیگر به جای این مسـائل و قوانین در خصوص فرزندخوانده، ابتدا شـرایط گرفتن یک بچه برای خانواده‌ها را راحت‌تر می‌کنند و از طرف دیگر هم اگر کودک بی‌سرپرسـت تحت حمایت خانواده‌ای نباشد، تلاش می‌کنند با شرایط بهتر و مرفه‌تری توسط دولت‌ها نگهداری شوند.

گزارش ۲

نیره ساری

منشور حقوق شهروندی بدون ضمانت اجرا

طبق گفته دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی رئیس‌جمهور ۱۴ مردادماه گزارش‌های مربوط به منشور حقوق شهروندی را ارائه خواهد کرد تا مردم در جریان کم‌کاری‌ها یا همکاری‌ها قرار گیرند

موضـوع حقـوق شـهروندی و منشـوری که با همیـن نام شـکل گرفـت، در حقیقت یکی از وعده‌هـای رئیس‌جمهـور بود کـه از ابتدا، آن را مطرح کـرد و در ۱۰۰ روز نخسـت دولت یازدهم، دسـتور تهیه پیش‌نویـس آن را داد، اما تدوین آن حدود سـه سـال طول کشـید و در نهایـت در ۲۹ آذرماه سـال ۱۳۹۵ نهایی شد. حالا قرار است بعد از گذشـت بیش از دو سال نخسـتین گزارش حقوق شـهروندی ۱۴ مـرداد ماه توسـط رئیس‌جمهور اعلام شـود. منشـوری که طبق وعده رئیس‌جمهـور با ۲۲ حق و ۱۲۰ ماده درصدد ارتقا و استیفای حقوق شهروندان است و در رأس آن حقوقی با عناوین جوانان، زنان، اقوام و اقلیت‌ها ذکر شده است.

مقوله «حقوق شهروندی» به عنوان یک موضوع حقوقی و قضایی و نه سیاسـی از مفاهیمی است که به طور ویژه به برابری و عدالت می‌پردازد. این واژه از جملـه وعده‌هایی بود کـه طبق تأکیدات رئیس‌جمهور در قالب یک منشور با ۲۲ حق و ۱۲۰ ماده تدوین و دو سال پیش نهایی شد.

■ از حرف تا عمل

رئیس‌جمهور در نخسـتین اجلاس ملی گزارش پیشرفت‌ها و راهکارهای رفع موانع تحقق حقوق شـهروندی، همزمان با سـالروز رونمایی منشور حقوق شـهروندی در سـال ۹۶ با تأکید بر اینکه حقوق شهروندی را دنبال خواهیم کرد، گفت: «به مردم وعده دادیم، گفتیم حقـوق جوانان، حقوق زنان، حقوق اقوام و حقوق اقلیت‌ها، پای این عهد و پیمانمان می‌ایسـتیم.» مولاوردی دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی نیز تأکید داشت: «حقوق شهروندی فراجناحی است» و لعیا جنیدی، معاون حقوقـی رئیس‌جمهور بیان کرد «تلاش ما اجرای دقیق منشور حقوق شهروندی است.»

کارشناسان حقوقی عقیده داشتند که بخشی از حقوق مذکور در این منشور همان حقوق مصرح در قانون اساسـی اسـت که تکرار آنها در قالبی جدید و فارغ از سایر اصول قانون اساسی چندان پذیرفته نیست. از سوی دیگر ارائه چنین منشوری باعث می‌شد تا این شبهه به وجود آید که حقوق شهروندی در ایران مشکل داشـته و حالا دولت جدید قصد دارد آن را درست کند.

■ منشـور حقـوق شـهروندی یـا تکـرار قانون اساسی

به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس‌جمهور، مجری قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران است. فصل سوم قانون اساسی و اصول ۱۹ تا ۴۲ که به حقوق ملت پرداخته شده به اختصار دربرگیرنده حقوق اساسـی قابل توجهی از جمله حق آزادی تشکیل اجتماعات، آزادی تشـکل‌ها، آموزش و پرورش رایگان، مسکن مناسب، دادخواهی عادلانه ، آزادی عقیده و بیان و... است.

همچنین از همان ابتدا تأکید می‌شد با وجود فصلی تحت عنوان حقوق ملت آن هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به درستی ام القوانین نامیده می‌شود، به نظر نمی‌رسد تنظیم منشوری به نام حقوق شهروندی بدون آنکه لباس قانون بپوشد و دارای ضمانت اجرای صریح و شفاف قانونی باشد تأثیری در پاسداشت حقوق ملت ایجاد کند.

اکنون به گفته شـهیندخت ملاوردی نخستین گزارش حقوق شـهروندی ۱۴ مرداد ماه توسـط رئیس‌جمهور اعلام می‌شود.

دسـتیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی توضیح داده است: «همه وزارتخانه‌ها با نهاد حقوق شـهروندی ارتباط خوبـی دارنـد، در چارچوب منشـور حقوق شـهروندی از تمام وزارتخانه‌ها گزارش گرفته‌ایم و این گزارش را ۱۴ مرداد منتشر خواهیم کرد.»

حال باید منتظر بمانیم و ببینیـم فراتر از حرف، در عمل، کدامیک از حقوق تصریح شـده در این منشـور رعایت شـده یا وضعیت اجرای آن ارتقا یافته است؟!

یادداشت

مبینا صدیقی *

«کلاهبرداری سایبری» شیوه نوین ارتکاب جرم

با توسعه و پیشرفت فضای الکترونیکی و گسترش آن میان مردم به عنوان لازمه زندگی و کسـب و کار، جرائم نیز رنگ و بوی دیگری پیدا کرده و نوسازی می‌شوند به نحوی که با یافتن ارکان خود در محیط غیرملموس، وصف سایبری بودن را به دنبال اسم خود می‌کشانند.

کلاهبرداری از زمره جرائمی است که در میان دنیای الکترونیکی نیز جا خوش کرده است و مجرمان با توسل به آن بدون نیاز به ملاقات قربانی، طرح خود را پیاده می‌کنند به علاوه این عدم ملاقات و عدم محدودیت بزهکار به زمان و مکان سرعت ارتکاب را در وی به حداکثر می‌رساند.

کلاهبرداری سایبری سیاهچاله جرائم است، چراکه فضای مجازی خود به مثابه خلئی تاریک است که در آن افراد قابل شناسایی نیستند و در تاریکی هویت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چه بسا این امر بزهکار را طمعکارتر می‌کند.

کلاهبرداری در معنای سنتی خود یعنی «توسـل به وسایل متقلبانه برای بردن مال غیر» که برای تحقق آن ارکانی لازم است از جمله: مانور متقلبانه که موجـب فریب خوردن قربانی شـود- نتیجه این عملیات بردن مال غیر باشـد- ماحصل این جرم برای مرتکـب منفعت و برای بزه دیده ضرر به همراه داشـته باشـد- که در ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مصادیق آن بیان اما خود جرم تعریف نشده است. کلاهبرداری سنتی در دنیای الکترونیکی و مجازی «کلاهبرداری سـایبری» نام دارد که در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۲ صریحاً به کلاهبرداری رایانه‌ای اشاره کرده است. به موجب این قانون در ماده ۷۴۱(الحاقی به قانون مجازات اسلامی) «هر کس به طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی، برای خود یا دیگری تحصیل کند...»

بنا بر این ماده عملیات متقلبانه در قالب دسـتکاری کـردن داده‌ها از جمله تغییر و محو و سـایر اعمال مندرج دیگر بـوده، رکن بردن مال غیر یا تحصیل امتیازات مالی و رکن فریب که می‌تواند فریب بزهکار یا گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن نیز در زمره شرایط تحقق این جرم است.

البته در این قانون و همچنیـن در قانون تجـارت الکترونیک تعریف مصرحی از این جرم به میان نیامده و صرفاً به بیان مصادیق آن پرداخته شده است. اگرچه در جرم کلاهبرداری سنتی وسیله موضوعیت ندارد اما در کلاهبرداری رایانه‌ای این جرم حتماً باید توسط رایانه ارتکاب یابد.

کلاهبرداری رایانه‌ای به تبع از کلاهبرداری سنتی مقید به نتیجه است و آن نتیجه، تحصیل امتیاز مالی یا بردن مال غیر است و هم سوء نیت عام (علم و عمد) و هم سوء نیت خاص (قصد نتیجه) را در خود دارد.

پس اگر فردی بدون داشـتن قصد نتیجه مرتکب اعمال مذکور شـود این جرم محقق نشده است. بر اسـاس قانون، پلیس فتا مرجع رسمی رسیدگی به جرائم مجازی در تمامی حوزه‌هاست و این مرجع در تمامی مراحل پیشگیری، تحقیقات، دسـتگیری و... ذی صلاح بوده و پس از تکمیل تحقیقات گزارش خود را به مرجع قضایی صالح برای رسیدگی ارائه می‌کند.

کلاهبرداری سـایبری از طریق یک حراج واهی، اعلام برنده شدن در قرعه‌کشـی موهوم، ارسـال ایمیلی جهت حک کردن و دسترسی به سیستم اطلاعاتی تلفن همراه، پیشنهاد ازدواج اینترنتی با ایمیل‌های فریبنده و... همگی بیانگر وقوع جرم کلاهبرداری سایبری است.

*** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی**

پرسش حقوقی

تفاوت جرائم علیه عفت عمومی بـا جرائم منافی عفت در چیست؟

جرائم علیه عفت عمومی با جرائم منافی عفت، متفاوت است. جرائم علیه عفت عمومی، جرائمی است که به عفت عمومی لطمه می‌زند، اما جرائم مربوط به اعمال منافی عفت، همانطور که در مـاده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ذکرشده است بیشتر جنبه خصوصی داشته و مربوط به روابط زن و مردی است که بین آنها علقه زوجیت وجود ندارد.

آیا دانشگاه می‌تواند به خاطر داشتن مشکل مالی و بدهی، اجازه حضور دانشجو سر کلاس را ندهد؟ شیوه شکایت چگونه است؟

اقدام دانشگاه در جلوگیری از ورود دانشجو به جلسه امتحان غیرقانونی است. خوشبختانه دانشگاه آزاد سـامانه‌ای را برای رسیدگی به شکایات راه‌اندازی کرده است؛لذا اگر سؤال ناظر به دانشگاه آزاد است، برای شکایت از این اقدام می‌توانید به سامانه مرکز نظارت، بازرسی و رسیدگی به شکایات دانشگاه آزاد مراجعه نمایید.

شرایط برقراری بیمه بیکاری چیست؟

بیمه شـده بیکار، برای دریافت مقرری بیمه بیکاری باید حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ بیکاری موضوع را به واحد تعاون، کار و رفاه اجتماعی ذیربط اطلاع دهد و آمادگی خود را برای اشتغال به کار تخصصی خود یا کار مشابه آن اعلام کند. بیمه‌شدگان بیکار، در صورت احراز پنج شرط، استحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را دارند. از جمله اینکه:

- مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی باشند.
- تبعه کشورهای خارجی نباشند.
- مستمری بگیر بازنشسته یا از کارافتاده کلی نباشند.
- دارای حداقل سه ماه سابقه پرداخت حق بیمه باشند.
- در زمره صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری نباشند.

دانستنی‌ها

فرق طلاق توافقی با طلاق خلع و مبارات

چنانچه زوجین هر دو در مورد طلاق توافق داشته باشند و در مورد نحوه جدایی و پرداخت حقوق زن و فرزندان به تفاهم برسـند طلاق توافقی است. این طلاق برای سرعت بخشـیدن به کار کسانی است که با توافق مصّر به طلاق هستند.

طلاق خلع و مبارات نیز دو صورت طلاق توافقی است، البته اجرای این طلاق نیز چون دیگر طلاق‌هایی که به درخواست زن و مرد است منوط به انجام تشریفات در مراجع قضایی و صدور گواهی عدم امکان سازش است. طلاق خلع و مبارات از نوع طلاق بائن است که امکان رجوع در آن نیست. براسـاس ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر دارد در مقابل مالی که به او می‌دهد طلاق می‌گیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر، معادل آن یا بیشتر یا کمتر از مهریه باشد. براسـاس ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زاید بر میزان مهر نباشد.

در واقع در این طلاق هر دو طرف از هم کراهـت و تمایل به طلاق دارند اما میزان بخششی که زن به مرد می‌دهد بیش از مهریه نیست. از لحاظ ماهیت در طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عرض نکرده باشد بائن است، یعنی اگر زن پس از طلاق خواهان مبلغی نباشد که برای گرفتن اجازه طلاق به مرد داده اسـت طلاق بائن و رجوع ممکن نیست. زن در این نوع طلاق حق گرفتن نفقه ندارد و از شـوهرش ارث نمی‌برد، اما اگر زن خواهان مهریه‌اش باشد و بخواهد مالش را پس بگیرد ماهیت طلاق تغییر می‌کند و تبدیل به طلاق رجعی می‌شود، لذا امکان رجوع مرد ایجاد می‌شود و زن حق ارث و نفقه را دارد.